فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت

دوره دوم ، شماره ۲۴ – شماره پیاپی ۴۲- تابستان و پاییز ۱۳۸۹

مقاله شماره ۲- صفحات ۲۷ تا ۴۲

اثربخشی مشاوره گروهی مبتنی بر واقعیت درمانی گلاسر بر بحران هویت دختران دانش آموز در معرض خطردردبیرستان های منطقه ۸ تهران در سال تحصیلی ۸۵_۱۳۸٤

آتوسا کلانتر هرمزی[۱]

دکتر عبدالله شفیع آبادی[۲]

دکتر کیومرث فرح بخش[۳]

چکیده

هدف این پژوهش بررسی اثربخشی مشاوره گروهی مبتنی بر واقعیت درمانی گلاسر بر بحران هویت دختران دانش آموز در معرض خطردردبیرستان های منطقه ۸ تهران است . نمونه پژوهش ۲۴ نفر از دانش آموزان دختر در معرض خطر اول و دوم دبیرستانی منطقه ۸ آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ هستند که پس از انتخاب تصادفی دبیرستان ها، دانش آموزان دختر در معرض خطر آن دبیرستان ها براساس بخشنامه دفتر پیش گیری از آسیب های اجتماعی و مواجهه با بلایای طبیعیِ معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش، شناسایی شدند (۵۲۰/۱۸۱۷/۱۸۹ مورخ ۸۴/۸/۱۸). سپس با اجرای آزمون بحران هویت، دختران دانش آموزی که دارای بحران هویت نیز تشخیص داده شدند، به تصادف در دو گروه ۱۲ نفره آزمایش و کنترل قرار گرفتند که طرح درمان و جلسات مشاوره گروهی مبتنی بر نظریه واقعیت درمانی گلاسر به مدت ۹ جلسه برای گروه آزمایش اجرا شد. تحلیل و مقایسه اطلاعات به دست آمده از پیش آزمون و پس آزمون نشان داد که مشاوره گروهی مبتنی بر نظریه واقعیت درمانی گلاسر، بحران هویت دختران دانش آموز در معرض خطر را کاهش داده است. هم چنین در رفع مشکل درتعیین اهداف بلند مدت، ایجاد نگرش مثبت نسبت به خود، ایجاد وفاداری گروهی، رفع رفتارهای نامتناسب جنسی و کسب هویت مذهبی، مؤثر بوده است اما در توجه به ارزش های اخلاقی و رفع تردید در مورد انتخاب شغل اثربخش نبوده است. براساس یافته های این پژوهش به کارگیری مشاوره گروهی مبتنی بر رویکرد گلاسر برای کاهش بحران هویت دختران دانش آموز در معرض خطر توصیه می شود.

کلید واژه ها: واقعیت در مانی، مشاوره گروهی، بحران هویت دختران

---

[۱] کارشناس ارشد مشاوره

[۲] عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

[۳] **عضو هیأت علمی دانشگاه**

[Downloaded from mail.isoedmag.ir on 2026-09-18]

مقدمه

نوجوان به دنبال آن است تا تصویر روشنی از کیستی و چیستی خود به دست آورد. او می خواهد بداند برای چه به این دنیا آمده و چه اهدافی لازم است در زندگی خود دنبال کند و برای انسجام و یکپارچگی در خویش، چه کارهای با ارزشی را باید انجام دهد. نوجوان علی رغم آن که می داند مشترکاتی با دیگران دارد به دنبال هویت فردی است. چراکه فردیت و استقلال یکی از اصول سازمان دهنده رشد هر انسان از جمله نوجوان و جوانان است که شامل کوشش مستمر شخص برای شناخت خود و هویت خویش در ارتباط با سایر افراد می شود(لطف آبادی، ۱۳۸۰،ص۲۸). هم چنین او برای کسب هویت باید در طول زمان در خود تداوم ببیند. به قول اریکسون: «نوجوان برای رسیدن به یکپارچگی باید احساس کند که آن چه بنا به قراین موجود در آینده خواهد شد تداوم پیشرفته آن چیزی است که در سال های طفولیت بوده»(هنری ماسن و همکاران، ترجمه مهشید یاسایی،۱۳۶۸، ص ۵۷۸).

اریکسون می نویسد: « هویتی که نوجوان درصدد است تا به طور روشن با آن مواجه شود، این است که او کیست؟ نقشی که باید در جامعه ایفا نماید، چیست؟ آیا او یک کودک است یا بزرگسال؟ آیا او توانایی آن را دارد که روزی به عنوان یک همسر یا پدر یا مادر باشد؟ آیا اوعلی رغم نژاد، مذهب یا زمینه های ملی که او را از نظر مردم کم ارزش جلوه می دهد، احساس اعتماد به نفس دارد؟»(شرفی، ۱۳۷۹، ص۴۴). آن چه مورد نظر اریکسون است این است که نوجوان احساسات و افکاری را که در دوران کودکی داشته، مورد سؤال و تردید قرار می دهد و برای سؤالات خود به دنبال راه حل است و چنانچه بتواند به پاسخ های مناسبی دست یابد، به هویت رشدیافته دست خواهدیافت. از نظر اریکسون، نوجوان برای ساختن هویت خود، در یک زمان با دو گروه از امور درگیر است، از سویی با تغییرات فیریولوژیکی و شناختی خود سازگار می شود و از سوی دیگر ناگزیر از سازگاری با نظام های بیرونی است. نوجوان باید با تمام این مسائل مواجه شود و در خلال آن ها هویت خود را بسازد، به این ترتیب ساختن یک هویت منسجم و سالم نمی تواند آسان و بدون مشکل باشد(احدی و محسنی، ۱۳۷۸).

به طورکلی، هر عامل رشدی که به نوجوان کمک کند تا دریابد که از دیگران متمایز است و در حد منطقی ثبات رأی دارد و هم چنین خود را شبیه تصوری بداند که دیگران از او دارند، موجب شکل گیری هویتی کامل در او می شود و هر عاملی که موجب شود تا سرخوردگی و عدم اعتماد، جایگزین اعتماد به خود شود و نیز خودآگاهی و نگرش مثبت نسبت به خود دچار ابهام گردد و در تصمیم گیری های اساسی زندگی هم چون انتخاب رشته و شغل دچار سردرگمی و تردید شود، تعادل و آرامش روانی او را به هم ریخته و او را دچار بحران هویت می کند.

[Downloaded from mail.isoedmag.ir on 2026-09-18]

به تعریفی دیگر هر عاملی که در استنباط های نوجوان از خودش خلل ایجاد کند باعث سردرگمی هویت و عدم توانایی او در رسیدن به یکپارچگی و تداوم تصوراتش از خودش می شود (هنری ماسن و همکاران به نقل از اریکسون ،۱۳۶۸ ، ص ۵۷۹). در این صورت این نوجوان همان گونه که گلاسر (۱۹۶۵) گفته به هویت شکست می رسد. او تنهایی و بی کسی را به شدیدترین وجه ممکن احساس می کند و در حل مشکلات و معضلات زندگی خود دشواری هایی دارد و از مواجه شدن با واقعیت، ناراحت، مضطرب و غمگین می شود (شفیع آبادی،۱۳۷۱، ص ۲۵۱). هم چنین عزت نفس پایینی دارد، استدلال اخلاقی در او رشد نیافته است، به دشواری مسؤلیت زندگی را می پذیرد، تکانشی است، تفکری نامنظم داشته ، آمادگی اعتیاد به مواد مخدر را دارد و روابط فردی اش سطحی و گاه و بی گاه است. او اگر چه با نحوه ی زندگی والدینش مخالف است اما نمی تواند از خود شیوه ای ابداع کند (هنری ماسن و همکاران، ترجمه مهشید یاسایی،۱۳۶۸، ص ۵۸۳).

مطابق DSM-IV بحران هویت را زمانی می توان به کار برد که ناراحتی شدید، در ارتباط با هویت نظیر اهداف درازمدت، انتخاب شغل، الگوهای دوستی، گرایش و رفتار جنسی، ارزش های اخلاقی و وفاداری گروهی وجود داشته باشد. کاپلان و سادوک به این عوامل، هویت مذهبی را نیز افزوده بودند. آن ها بیان کرده اند که چنان چه فردی در سه یا بیش تر از این موارد، حداقل به مدت سه ماه تزلزل نشان دهد، دچار اختلال هویت می باشد. تحقیقات انجام شده در زمینه ی بحران هویت و نظریه گلاسر محدود است. در مورد بحران هویت بیش تر بررسی ها از نوع همبستگی است تا آزمایشی، به خصوص در مورد اثربخشی رویکرد گلاسر در این بحران، تحقیقات، اندک است . در تحقیقی تحت عنوان فرایند هویت و نظریه تصمیم گیری که توسط چانگ[1](۱۹۹۸) انجام شد این نتیجه به دست آمد که افراد دارای سبک هویت سردرگمی نسبت به افراد دارای سبک هویت هنجاری، اطلاعات را قبل از تصمیم گیری به مقدار کمتری مورد بررسی قرار می دهند.

ماساد(۱۹۸۱) به بررسی تأثیر صفات زنانه و مردانه در شکل گیری هویت پرداخته است. در این بررسی، او در رابطه ی بین هویت جنسی و نمرات سازگار، پذیرش خود و پذیرش دوستان در نوجوانی با استفاده از تعدادی دختر و پسر دبیرستانی، به مطالعه و تحقیق پرداخت.. نتایج تحقیق او نشان داد که در بین مردان، مردانگی به طور مثبت با پذیرش خود ارتباط دارد و تعادل بین مردانگی و زنانگی با پذیرش دوستان ارتباط قوی دارد. یافته ی اصلی این تحقیق، رابطه ی میان هویت و سازگاری متفاوت دو جنس است (برجعلی، ۱۳۸۰).می شی(۱۹۸۱) در مصاحبه با نوجوانان رابطه ی ارزش های دینی هویت یابی و قضاوت اخلاقی را بررسی نموده است. او ارزش های دینی را با سؤال هایی در مورد مرگ، معنی زندگی، وفاداری، شر و گناه و... مورد بررسی قرار داد... نتیجه به دست آمده از این تحقیق نشان داد که هویت یابی با ارزش های

[1]- Chung

[Downloaded from mail.isoedmag.ir on 2026-09-18]

دینی و رشد اخلاقی، همبستگی مثبت دارد (می شی به نقل از روزبهانی، ۱۳۷۷).اسکویه و مارسیا(۱۹۹۱) نیز ارتباط بین رشد اخلاقی و هویت یابی را در زنان دانشجوی ۱۷ تا ۲۶ ساله مورد بررسی قرار دادند. همان طور که انتظار می رفت افزایش رشد اخلاقی، با نمره ی بالای هویت یابی همراه بود. نتیجه دیگر این که استدلال اخلاقی و خودپنداره، به طور ویژه ای با یکدیگر مرتبط اند (اسکویه و مارسیا به نقل از شعبانی، ۱۳۸۳).دونان و همکاران(۱۹۶۶) دانشجویانی را که دچار بحران هویت بودند بررسی کردند و نتیجه گرفتند که این دانشجویان دارای عزت نفس پایین، استدلال اخلاقی رشد نیافته، تکانشی بودن و افکار نامنظم بودند. آنان روابط خوبی با دوستان شان نداشتند و برای معتاد شدن امادگی داشتند(ماسن و همکاران، ترجمه یاسایی، ۱۳۶۸).

موسوی(۱۳۷۷) در پژوهشی با عنوان اثر مشاوره فردی با رویکرد واقعیت درمانی بر بحران هویت دختران ۱۵ تا ۱۸ ساله ی ناحیه ۱ کرج، نتایج زیر را به دست آورد:

۱_ مشاوره واقعیت درمانی توانسته است از بحران هویت دختران نوجوان بکاهد.

۲_ مشاوره واقعیت درمانی توانسته است بحران هویت دختران نوجوان را از لحاظ روابط میان فردی کاهش دهد.

۳_ مشاوره واقعیت درمانی توانسته است بحران هویت دختران نوجوان را از لحاظ آینده تحصیلی و شغلی کاهش دهد.

۴_ مشاوره واقعیت درمانی توانسته است بحران هویت دختران نوجوان را از لحاظ اعتقادات مذهبی کاهش دهد.

۵_ مشاوره واقعیت درمانی در کاهش بحران هویت دختران نوجوان از لحاظ نگرش نسبت به خود مؤثر بوده است.

شعبانی (۱۳۸۳) تأثیر مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت درمانی گلاسر را بر کاهش بحران هویت قربانیان بزه در زندان قصر مورد بررسی قرار داد. نتیجه تحقیق نشان داد که این نوع مشاوره گروهی در کاهش بحران هویت قربانیان بزه مؤثر بوده است.احمدی و رضوانی نژاد (۱۳۷۸) در تحقیقی تأثیرآموزش گروهی با رویکرد واقعیت درمانی گلاسر را بر کاهش بحران هویت دانشجویان اصفهانی مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که این نوع آموزش در کاهش بحران هویت دانشجویان مؤثر بوده است .مشکلات هویتی، شاید در نوجوانانی که در معرض خطر هستند، از آثار منفی طلاق والدین بی نصیب نبوده و یا عضوی از خانواده ی آنان سوء مصرف مواد دارند، بیش تر و سخت تر باشد. براساس پژوهش های موجود، نوجوانانی که والدین شان مواد مخدری چون الکل، آرام بخش، سیگار، مسکن و آمفتامین مصرف می کنند، بیش از نوجوانان دیگر در معرض خطر می باشند(هنری ماسن و همکاران، ترجمه مهشید یاسایی،۱۳۶۸). مسلماً چنین نوجوانی نیاز به

[Downloaded from mail.isoedmag.ir on 2026-09-18]

کمک دارد. نیاز به دریافت محبت، توجه، گوش دادن، آموزش و یادگیری مهارت ها و مسؤلیت پذیری و انتخاب دارد. بسیاری از درمان گران در برخورد با نوجوانی که دچار اختلال هویت است، شیوه ی درمانی مبتنی برانتخاب و مسؤلیت فردی را بر می گزینند. «آن ها با بیان این مطلب که افراد آزادند، شایستگی انتخاب دارند و مسؤل انتخاب ها، موفقیت ها و عدم موفقیت های خود هستند، منظور خود را از واژه ی مسؤلیت فردی روشن تر توصیف می نمایند»(شرفی، ۱۳۸۱). ویلیام گلاسر یکی از این درمان گران است که در روش درمانی خود بر مفهوم مسؤلیت پذیری و انتخاب، بسیار تأکید داشته است. هم چنین او هویت را جزء لازم و اساسی تمام انسان ها در همه فرهنگ ها می داند که از لحظه ی تولد تا مرگ ادامه می یابد (شفیع آبادی، ۱۳۷۱، ص۲۵۰). به همین دلیل در این پژوهش، کوشش بر آن بوده تا براساس این نظریه و به روش مشاوره ی گروهی به نوجوانان در معرض خطری که دچار بحران هویت شده اند، کمک شود.گلاسر خود معتقد است که « تعاملات گروهی در کمک کردن فردی به اعضا برای شکستن دور معیوب تجارب شکست آنان مهم است. به این دلیل که مطابق نظریه واقعیت درمانی، مردم نمی توانند با منزوی کردن خودشان، هویت توفیق به دست آورند و به کنترل اثربخش تر برسند، آن چه آنان انجام می دهند باید نیاز به تعلق را تحقق بخشد» (کوری[1]، ۱۹۹۵).

فرضیه های این تحقیق عبارتند از:

فرضیه اصلی: بین بحران هویت دختران دانش آموز در معرض خطری که مشاوره گروهی به شیوه واقعیت درمانی گلاسر را دریافت کرده اند با آنانی که دریافت نکرده اند، تفاوت معناداری وجود دارد.

سایر فرضیه ها:

۱_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه گروهی در رفع مشکل در اهداف بلند مدت دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

۲_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه گروهی در ایجاد نگرش مثبت نسبت به خود در دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

۳_ روش واقعیت درمانی گلاسربه شیوه گروهی درتوجه به ارزش های اخلاقی در دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

۴_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه گروهی در ایجاد وفاداری گروهی در دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

۵_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه گروهی در رفع رفتارهای نامتناسب جنسی در دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

[1] - Corey

[Downloaded from mail.isoedmag.ir on 2026-09-18]

۶_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه گروهی درکسب هویت مذهبی دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

۷_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه گروهی دررفع تردید در مورد انتخاب شغل در دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

روش تحقیق

روش این تحقیق، نیمه آزمایشی است که در آن از طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل استفاده شده است. دیاگرام طرح اجراشده به صورت زیر است:

گروه آزمایش	پس آزمون	متغیر مستقل	پیش آزمون	انتخاب تصادفی
	T2	X	T1	R
گروه کنترل	T2		T1	R

جامعه ی آماری و روش نمونه گیری: جامعه ی آماری در این تحقیق، ، دختران دانش آموز در معرض خطر (سال اول و دوم) دبیرستان های دولتی منطقه ی ۸ شهر تهران بودند.انتخاب نمونه ی آماری به این صورت بود که ابتدا از میان دبیرستان های دخترانه ی دولتی منطقه ۸ ، دو دبیرستان به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. سپس با کمک مشاوران آن دبیرستان ها، دختران دانش آموز اول و دوم دبیرستانی در معرض خطر شناسایی شدند. شناسایی دانش آموزان در معرض خطر با استفاده از معیارهای مندرج در بخشنامه دفتر پیش گیری از آسیب های اجتماعی و مواجهه با بلایای طبیعیِ معاونت تربیت بدنی وتندرستی وزارت آموزش و پرورش (۵۲۰/۱۸۱۷/۱۸۹ مورخ ۸۴/۸/۱۸) صورت گرفته است. این معیارها عبارتند از:

_ یکی از اعضای خانواده دانش آموز معتاد باشد.

_ پدربزرگ و مادربزرگ معتاد داشته باشد.

_ یکی از دوستان دانش آموز معتاد باشد.

_ فرزند طلاق باشد.

پس از شناسایی دختران دانش آموز در معرض خطر، ازآنان آزمون بحران هویت گرفته شد که تعداد ۴۸ نفر دارای بحران بوده اند. از این ۴۸ نفر تعداد ۳۰ نفر به تصادف در دو گروه ۱۵ نفره آزمایش و گواه قرار گرفتند. انتخاب ۱۵ نفر به دلیل احتمال ریزش اعضا بود که در نهایت پس از مصاحبه اولیه با آنان، تعداد ۱۲ نفر برای مشاوره گروهی در گروه آزمایش و در مقابل نیز ۱۲ نفر در گروه گواه قرار گرفتند. با توجه به آن که گروه نمونه از دانش آموزان اول و دوم دبیرستان انتخاب شدند، دامنه سنی آنان، ۱۵ و ۱۶ ساله و وضعیت

[Downloaded from mail.isoedmag.ir on 2026-09-18]

اقتصادی آنان، متوسط و تا حدودی خوب بوده است.ابزار اندازه گیری: ابزار اندازه گیری آزمون بحران هویتی بود که که به عنوان پیش آزمون و پس آزمون به کار رفت . سؤالات آزمون براساس مطالعه متون مرتبط و منطبق بر معیارهای DSM-IV و سایر کتب تشخیصی طرح شدند. این معیارها عبارتنداز: اهداف درازمدت، انتخاب شغل، الگوهای دوستی، گرایش و رفتار جنسی، ارزش های اخلاقی، وفاداری گروهی ،هویت مذهبی، تنظیم وقت، نگرش نسبت به خود و تشکیل خانواده.پایایی و روایی آزمون: پس از طراحی سؤالات و تدوین پرسش نامه، ابتدا پرسش نامه در اختیار چند نفر از اساتید محترم دانشگاهی و متخصصان مرتبط قرار گرفت تا روایی محتوایی آن به دست آید. پس از اعمال نظر آنان و اصلاحات اعمال شده، پرسشنامه جهت بررسی ویژگی های روان سنجی و به دست آمدن روایی عینی و پایایی در اختیار گروهی از دانش آموزان دختر منطقه ی هشت تهران و گروهی از نوجوانان بزه کار قرار گرفت، از آن جایی که تعداد این گروه برای اجرای مقدماتی نباید کمتر از ۵۰ نفر باشد (کرمی، ۱۳۸۲، ص ۵۲) بر همین اساس پرسش نامه بر روی ۶۰ نفر ازدانش آموزان دختر عادی منطقه ی هشت تهران و ۶۰ نفر بزه کار در زندان که به طور تصادفی انتخاب شدند، اجرا شد.برای پایایی پرسش نامه موردنظر از آلفای کرانباخ استفاده شد که ضریب پایایی آن ۰/۹۰ به دست آمد. روایی پرسش نامه نیز با استفاده ار روایی سازه، ۵۳ /۰ محاسبه شد. برای به دست آوردن روایی ابزار، گروه عادی و گروه بزه کار مورد مقایسه قرار گرفتند که میانگین دو گروه از طریق آزمونt مورد مقایسه قرار گرفت. تفاوت میانگین نمرات دو گروه در سطح ۹۹ درصد معنی دار مشاهده شد که بیان گر قدرت متمایزسازی آزمون در بین گروه بزه کار و غیربزه کار می باشد.در ضمن اندازه اثر که بیان گر همبستگی متغیر پیوسته بحران هویت با دو گروه بزه کار و غیربزه کار(متغیر گسسته و دووجهی) است، ۰.۵۳ به دست آمد که در سطح ۹۹ درصد معنی دار بوده است.

پس از محاسبه پایایی و روایی پرسش نامه مورد نظر و حذف برخی از سؤالات و نیز استخراج پرسش نامه نهایی که حاوی ۷۰ سؤال بوده است، این پرسش نامه بر روی گروه نمونه اجرا شد.روش نمره گذاری: این پرسش نامه شامل ۷۰ سؤال پنج درجه ای (کاملاً موافقم، موافقم، تا حدودی، مخالفم و کاملاً مخالفم) است. امتیازبندی سؤالات به این صورت است که در سؤالات منفی به گزینه «کاملاً موافقم» امتیاز پنج،« موافقم» امتیاز چهار،« تا حدودی» امتیاز سه، «مخالفم» امتیاز دو و «کاملاً مخالفم» امتیاز یک داده شده است. برای سؤالات مثبت، امتیاز گزینه ها، به طور معکوس محاسبه شد یعنی برای گزینه«کاملاً موافقم» امتیاز یک،« موافقم» امتیاز دو،« تا حدودی» امتیاز سه، «مخالفم» امتیاز چهار و «کاملاً مخالفم» امتیاز پنج داده شد. نمره گذاری این آزمون نیز به شرح زیر صورت گرفت:ابتدا جمع نمره های به دست آمده از سؤال های مربوط به هر معیار، برتعداد سؤال های مربوط به همان معیارتقسیم شد. اگرمیانگین نمره فرد در هر معیار، بیش تر از ۳ باشد فرد در آن معیار دارای مشکل قابل توجه است. چنان چه میانگین نمره فرد در معیار موردنظر ۴ و یا

[Downloaded from mail.isoedmag.ir on 2026-09-18]

بالاتر به دست آید، دانش آموز در آن معیار دارای مشکل جدی است.مطابق DSM- IV ، چنان چه فردی در حداقل سه معیار از معیارهای ذکر شده برای بحران هویت، نمره بالایی به دست آورد دارای اختلال هویت است.پس از اجرای پیش آزمون و شناسایی دختران دانش آموز در معرض خطری که دارای بحران هویت بودند، طرح درمان مشتمل بر ۹ جلسه ی مشاوره گروهی بر روی گروه آزمایش اجرا شد که موضوعات جلسات به شرح زیر بوده است:

۱_ آشنایی اعضای گروه با یکدیگر و برقراری ارتباط عاطفی میان اعضا و مشاور.

۲_ بررسی نگرش اعضا نسبت به خود و شناخت نیازهای اساسی آنان و خواسته هایشان و ایجاد روحیه خودشناسی و خویشتن پذیری مطابق آن چه که هستند و توانمندی هایشان.

۳_ شناخت و بررسی اهداف زندگی اعضا و میزان هدفمندی آنان و ایجاد زمینه مسؤلیت پذیری در آنان نسبت به خود و آینده شان.

۴_ بررسی نگرش اعضا نسبت به جنسیت خود و ایجاد زمینه برای کسب هویت مثبت جنسی و پذیرش مسؤلیت در مورد نقش های جنسیتی خود.

۵_ ارتقای این تفکر در اعضا که نسبت به تصمیم گیری تحصیلی و حرفه ای خود مسؤلند و راهنمایی و تشویق آنان برای تصمیم گیری مناسب.

۶_ بررسی روابط اعضای گروه با دوستان و اعضای خانواده جهت ایجاد زمینه هویت اجتماعی و برقراری رابطه ای مطلوب با اعضای خانواده و هم سالان.

۷_ بررسی نظام ارزشی و اعتقادات مذهبی آنان و لزوم گرایش آنان به مذهب و فرهنگ ملی.

۸_ لزوم برنامه ریزی در انجام بهتر کارها و استفاده بهینه از وقت و زمان برای رسیدن به اهداف آینده شان.

۹_ :بررسی و تأکید مجدد برای قبول مسؤلیت کارها و اهداف توسط اعضا و این که خود، رفتارشان را انتخاب و کنترل می کنند و در مقابل آن مسؤلند.

یافته های تحقیق

فرضیه اصلی: بین بحران هویت دختران دانش آموز در معرض خطری که مشاوره گروهی به شیوه واقعیت درمانی گلاسر را دریافت کرده اند با آنانی که دریافت نکرده اند، تفاوت معناداری وجود دارد.داده های مربوط به این فرضیه در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱- آزمون t برای مقایسه میانگین اختلاف نمرات پیش آزمون و پس آزمون در گروه کنترل و آزمایش در مورد عامل مشاوره گروهی بر بحران هویت

[Downloaded from mail.isoedmag.ir on 2026-09-18]

آزمودنی ها	M	S	df(درجه آزادی)	tمحاسبه شده	p
گروه کنترل	۵.۲۵	۳۷.۷	۲۲	۳.۴۹	۰.۰۵
گروه آزمایش	۶۲.۵۸	۴۳.۷			

براساس نتایج جدول، مقدارt بدست آمده برابر ۳/۴۹ و از t جدول در سطح ۰.۰۵ بزرگ تر است بنابراین فرض صفر رد شده و فرض خلاف تأیید می شود و نتیجه می گیریم مشاوره گروهی به شیوه واقعیت درمانی می تواند موجب کاهش بحران هویت در دختران دانش آموز در معرض خطر شود.

سایر فرضیه ها

۱_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی در رفع اشکال در اهداف بلند مدت دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

جدول شماره ۲- آزمون t برای مقایسه میانگین اختلاف نمرات پیش آزمون و پس آزمون در گروه کنترل و آزمایش در مورد عامل مشاوره گروهی در رفع اشکال در اهداف بلند مدت براساس نتایج جدول، مقدارt بدست آمده برابر ۲/۳۹ و از t جدول در سطح ۰.۰۵ بزرگ تر است بنابراین فرض صفر رد شده و فرض خلاف تأیید می شود و نتیجه می گیریم روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی در رفع اشکال در اهداف بلند مدت دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

آزمودنی ها	M	S	df(درجه آزادی)	tمحاسبه شده	p
گروه کنترل	۰/۶۶	۶/۷۸	۲۲	۲.۳۹	۰.۰۵
گروه آزمایش	۶/ ۳۳	۴/۵۸			

۲_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی در ایجاد نگرش مثبت نسبت به خود در دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

جدول شماره ۳- آزمون t برای مقایسه میانگین اختلاف نمرات پیش آزمون و پس آزمون در گروه کنترل و آزمایش در مورد عامل مشاوره گروهی در ایجاد نگرش مثبت نسبت به خود

[Downloaded from mail.isoedmag.ir on 2026-09-18]

آزمودنی ها	M	S	df(درجه آزادی)	tمحاسبه شده	P
گروه کنترل	۲/۰۸	۹ /۴۴	۲۲	۲.۷۸	۰.۰۵
گروه آزمایش	۱۳/۹	۱۱/۳۲			

براساس نتایج جدول، مقدارt بدست آمده برابر ۲/۷۸ و از t جدول در سطح ۰.۰۵ بزرگ تر است بنابراین فرض صفر رد شده و فرض خلاف تأیید می شود و نتیجه می گیریم روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی در ایجاد نگرش مثبت نسبت به خود در دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

۳_ روش واقعیت درمانی گلاسربه شیوه مشاوره گروهی درتوجه به ارزش های اخلاقی در دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

جدول شماره ۴- آزمون t برای مقایسه میانگین اختلاف نمرات پیش آزمون و پس آزمون در گروه کنترل و آزمایش در مورد عامل مشاوره گروهی درتوجه به ارزش های اخلاقی

آزمودنی ها	M	S	df(درجه آزادی)	tمحاسبه شده	P
گروه کنترل	۲/۹	۶/۰۳	۲۲	۱/۱۶۸	۰.۰۵
گروه آزمایش	۵/۸۳	۶/۲			

براساس نتایج جدول، مقدارt بدست آمده برابر ۱/۱۶۸ و از t جدول در سطح ۰.۰۵ کوچک تر است بنابراین فرض صفر تأیید می شود ، یعنی روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی درتوجه به ارزش های اخلاقی در دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر نبوده است. روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی در ایجاد وفاداری گروهی در دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

[Downloaded from mail.isoedmag.ir on 2026-09-18]

جدول شماره ۵- آزمون t برای مقایسه میانگین اختلاف نمرات پیش آزمون و پس آزمون در گروه کنترل و آزمایش در مورد عامل مشاوره گروهی در ایجاد وفاداری گروهی

آزمودنی ها	M	S	df(درجه آزادی)	tمحاسبه شده	P
گروه کنترل	۱/۴۱	۶/۵۸	۲۲	۴/۱۶۸	۰.۰۵
گروه آزمایش	۱۱/۵	۸/۴۸			

براساس نتایج جدول، مقدارt بدست آمده برابر ۴/۱۶۸و از t جدول در سطح ۰.۰۵ بزرگ تر است بنابراین فرض صفر رد شده و فرض خلاف تأیید می شود و نتیجه می گیریم روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی در ایجاد وفاداری گروهی در دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

۵_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی در رفع رفتارهای نامتناسب جنسی در دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

جدول شماره ۶- آزمون t برای مقایسه میانگین اختلاف نمرات پیش آزمون و پس آزمون در گروه کنترل و آزمایش در مورد عامل مشاوره گروهی در رفع رفتارهای نامتناسب جنسی

آزمودنی ها	M	S	df(درجه آزادی)	tمحاسبه شده	P
گروه کنترل	۰/۸۳	۳/۶۵	۲۲	۲/۵۳	۰.۰۵
گروه آزمایش	۴/۳۳	۴/۷۹			

براساس نتایج جدول، مقدارt بدست آمده برابر ۲/۵۳و از t جدول در سطح ۰.۰۵ بزرگ تر است بنابراین فرض صفر رد شده و فرض خلاف تأیید می شود و نتیجه می گیریم روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی در رفع رفتارهای نامتناسب جنسی در دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

۶_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی درکسب هویت مذهبی دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

[Downloaded from mail.isoedmag.ir on 2026-09-18]

جدول شماره ۷– آزمون t برای مقایسه میانگین اختلاف نمرات پیش آزمون و پس آزمون در گروه کنترل و آزمایش در مورد عامل مشاوره گروهی در درکسب هویت مذهبی

آزمودنی ها	M	S	df(درجه آزادی)	tمحاسبه شده	P
گروه کنترل	-۰/۷۵	۸/۰۳	۲۲	۲/۸۲	۰.۰۵
گروه آزمایش	۹/۲۵	۹/۲۸			

براساس نتایج جدول، مقدارt بدست آمده برابر ۲/۸۲و از t جدول در سطح ۰.۰۵ بزرگ تر است بنابراین فرض صفر رد شده و فرض خلاف تأیید می شود و نتیجه می گیریم روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی درکسب هویت مذهبی در دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

۷_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی در رفع تردید درمورد انتخاب شغل در دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر است.

جدول شماره ۸– آزمون t برای مقایسه میانگین اختلاف نمرات پیش آزمون و پس آزمون در گروه کنترل و آزمایش در مورد عامل مشاوره گروهی در رفع تردید درمورد انتخاب شغل

آزمودنی ها	M	S	df(درجه آزادی)	tمحاسبه شده	p
گروه کنترل	۲/۲۵	۳/۸۱	۲۲	۰/۱	۰.۰۵
گروه آزمایش	۲/۰۸	۴			

براساس نتایج جدول، مقدارt بدست آمده برابر ۰/۱ و از t جدول در سطح ۰.۰۵ کوچک تر است بنابراین فرض صفر تأیید می شود ، یعنی روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی در رفع تردید درمورد انتخاب شغل در دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر نبوده است.

نتیجه

یافته های پژوهش نشان داد که :

۱_ مشاوره گروهی به شیوه واقعیت درمانی گلاسر بر بحران هویت دختران دانش آموز در معرض خطر تأثیر داشته و آن را کاهش داده است بنابراین فرضیه اصلی پژوهش با اطمینان ۹۵٪ تأیید شد.

۲_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی در رفع اشکال در تعیین اهداف بلند مدت دختران دانش آموز در معرض خطر با اطمینان ۹۵٪ تأثیر داشت و در نتیجه فرضیه دوم پژوهش درسطح معناداری ۰.۰۵تأیید شد.

۳_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی در ایجاد نگرش مثبت نسبت به خود در

[Downloaded from mail.isoedmag.ir on 2026-09-18]

دختران دانش آموز در معرض خطر تأثیر داشته ، بنابراین ، نتیجه می گیریم که فرضیه پژوهش با اطمینان ۹۵٪ تأیید شد.

۴_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی در توجه به ارزش های اخلاقی در دختران دانش آموز در معرض خطر تأثیر نداشته است بنابراین فرضیه پژوهش رد شده است..

۵_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی در ایجاد وفاداری گروهی در دختران دانش آموز در معرض خطر تأثیر داشت که نتیجه می گیریم فرضیه پژوهش با اطمینان ۹۵٪ تأیید شده است

۶_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی در رفع رفتارهای نامتناسب جنسی در دختران دانش آموز در معرض خطر تأثیر داشت است که با توجه به داده های به دست آمده و تجزیه و تحلیل آن ها، نتیجه می گیریم که فرضیه پژوهش با اطمینان ۹۵٪ تأیید شده است.

۷_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی درکسب هویت مذهبی دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر بوده است و در نتیجه فرضیه پژوهش با اطمینان ۹۵٪ تأیید شده است.

۸_ روش واقعیت درمانی گلاسر به شیوه مشاوره گروهی در رفع تردید در مورد انتخاب شغل در دختران دانش آموز در معرض خطر مؤثر نبوده است. بنابراین فرضیه آخر پژوهش تأیید نشده است.

بر اساس یافته های تحقیق پیشنهاد می شود که

۱_ اصول و کاربرد نظریه گلاسر به مشاوران مدارس و حتی معلمان آموزش داده شود.

۲_ با توجه به تأکید نظریه گلاسر بر مفاهیم مسؤلیت پذیری، ایجاد ارتباط عاطفی، شناخت نیازهای اساسی و برآوردن آن ها، خود کنترلی و تصمیم گیری مناسب توسط افراد، این رویکرد توسط متخصصان امر در جلساتی هم چون جلسات آموزش خانواده در مدارس به اولیاء آموزش داده شود.

۳_ تأثیر رویکردهای دیگر بر بحران هویت و یا رویکردی در مقایسه با رویکرد گلاسر و بررسی اثربخشی آن ها بر کاهش بحران هویت، مورد سنجش قرارگیرد.

۴_ با توجه به اهمیت موضوع و کمبود تحقیقات در زمینه نوجوانان در معرض خطر، به ویژه شناسایی آن ها، پیشنهاد می شود بر همین اساس، تهیه و اجرای ابزار یا ابزاری هایی برای شناسایی نوجوانان در معرض خطر به منظور هدایت خدمات حمایتی و مشاوره ای مورد توجه و حمایت قرار گیرد.

۵_ پژوهش در حجمی وسیع تر و بیشتر و نیز در سایر شهرستان ها، تکرار شود.

منابع

_ احمدی، سید احمد و رضوانی نژاد، محبوبه (۱۳۷۸)."تأثیر آموزش گروهی به روش واقعیت درمانی بر بحران هویت دانشجویان"،**تازه ها و پژوهش های مشاوره**، جلد اول، شماره ۳ و۴، پاییز و زمستان

[Downloaded from mail.isoedmag.ir on 2026-09-18]

.۱۳۷۸

_ احدی، حسن و محسنی، نیک چهره(۱۳۷۸). **روان شناسی رشد**، تهران، شرکت پردیس.

– برجعلی، احمد(۱۳۸۰)، **تحول شخصیت در نوجوان**،چاپ اول، انتشارات ورای دانش.

_ شفیع آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا(۱۳۷۱). **نظریه های مشاوره و روان درمانی**، چاپ سوم، مرکز نشر دانشگاهی.

_ شرفی، محمدرضا(۱۳۸۱). **جوان و بحران هویت**، چاپ سوم، انتشارات سروش.

_ شرفی، محمدرضا(۱۳۷۹). **دنیای نوجوان**، چاپ دوم، ناشر: مرکز خدمات فرهنگی مطهر.

_ کاپلان و سادوک(۱۳۷۲). **خلاصه روان پزشکی**، ترجمه نصرت اله پورافکاری،جلد چهارم ، تبریز، چاپ تابش.

_ لطف آبادی، حسین(۱۳۸۰)، **عواطف و هویت نوجوانان و جوانان**، چاپ اول، انتشارات سازمان ملی جوانان.

_ ماسن، پاول و همکاران، ترجمه مهشید یاسایی، (۱۳۶۸). **رشد و شخصیت کودک**، چاپ اول، نشر مرکز

- شعبانی(۱۳۸۳)، تأثیر مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت درمانی بر کاهش بحران هویت قربانیان بزه پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

_ موسوی، معصومه(۱۳۷۷). تأثیر مشاوره فردی با رویکرد واقعیت درمانی بر بحران هویت در دختران ۱۵ تا ۱۸ ساله ناحیه ۱ کرج. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.

_ محمدی روزبهانی، کیانوش(۱۳۷۷)، بررسی رابطه نظام ارزشی و رشد اخلاقی با هویت یابی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

- Corey, Gerald.(1995), **Theory And Practice of Group Counseling, California, Brook/ Cole Publishing Company**.

- Chung , R(1998). Identity_ Processing Style And Decision Making Theory. Factors It Consider When Adolescents Are Deciding Upon a Carrer. Dissertion Ad streats International Secthon A, 1998 cul .

[Downloaded from mail.isoedmag.ir on 2026-09-18]

به نام خدا

"پرسشنامه پژوهش"

دانش آموز عزیز؛ با سلام

لطفاً هر یک از سؤال ها و عبارت های زیر را با دقت بخوانید و با علامت (√) نظر خود را در هر مورد (که بیانگر میزان موافقت یا مخالفت شما با آن عبارت است) در پاسخ نامه، مشخص نماید.

۱- برای آینده زندگی خود هدف ها و برنامه های روشنی در سر دارم.

۲- برای استقلال مالی خود در آینده فکری ندارم.

۳- در مورد کارهای خود نمی توانم تصمیم بگیرم.

۴- اصلا" به آینده خود فکر نکرده ام.

۵- نمی دانم از زندگی چه می خواهم.

۶- در کارهایم اعتماد به نفس ندارم.

۷- از وقتم نمی توانم درست استفاده کنم.

۸- اغلب دیگران باید بگویند، چه کاری را در چه زمانی انجام دهم.

۹- گاهی در اصول اخلاقی خود(مثل راست گویی، صداقت و ...) دچار سردرگمی می شوم.

۱۰- هرچه دوستان و بزرگ ترها بگویند به راحتی قبول می کنم.

۱۱- هیچ ارزشی برای دیگران ندارم.

۱۲- گاهی دوست دارم از خانواده ام فرار کنم.

۱۳- در مواقعی به شدت به خانواده ام علاقه مندم و گاهی به شدت از آنان متنفرم.

۱۴- تحمل مشکلات را ندارم.

۱۵- من خانواده ام را دوست دارم.

۱۶- از این که یک ایرانی هستم، افتخار می کنم.

۱۷- معیارهای روشنی برای انتخاب همسر ندارم.

۱۸- مهم نیست که خود چه فکر می کنم، مهم آن است که آن چیزی باشم که دیگران می خواهند.

۱۹- از جنسیت خود راضی نیستم.

۲۰- از هم نشینی با دوستانم لذت نمی برم.

۲۱- از نظر دیگران، گاهی یا اکثر اوقات مانند جنس مخالف رفتار می کنم.

۲۲- عقاید مذهبی روز به روز در من ضعیف تر می شوند.

۲۳- معیاری مشخص برای انتخاب دوست ندارم.

[Downloaded from mail.isoedmag.ir on 2026-09-18]

۲۴- تمایلی به ازدواج در آینده ندارم.

۲۵- همواره از این که عضو خانواده ام هستم، افتخار می کنم.

۲۶- چون آرزوها ونظرات ما در آینده عملی نمی شوند، پس لازم نیست نگران گذران وقت فعلی ام باشم.

۲۷- برای آن که تنبیه و جریمه نشویم، باید قوانین را رعایت کنیم.

۲۸- به خاطر اعتقادات درونی ام از اصول اخلاقی پیروی می کنم.

۲۹- قادر به برقراری ارتباطی نزدیک و صمیمانه با هم کلاسی هایم، هستم.

۳۰- دوست دارم لباس جنس مخالف را بپوشم.

۳۱- گاهی به مسلمان بودن خود افتخار می کنم و گاهی دوست دارم از دین خود خارج شوم.

۳۲- از قبول مسؤلیت ازدواج عاجزم.

۳۳- احساس می کنم هیچ کس مرا دوست ندارد و به من توجه نمی کند.

۳۴- از این که وقت کافی در روز ندارم، ناراضی هستم.

۳۵_اغلب بی برنامه و سرگردان هستم.

۳۶- اغلب در مورد این که واقعا" چه کسی هستم سردرگم می شوم.

۳۷- نمی دانم برای چه به دنیا آمده ام و پس از مرگ به کجا می روم؟

۳۸- هم کلاسی هایم من را می پذیرند.

۳۹- با اطرافیانم (از جمله هم کلاسی ها و...) زود دوست می شوم و زود از آنان دل می کنم.

۴۰- ترجیح می دهم برای همیشه مجرد بمانم.

۴۱- فکر می کنم در آینده نمی توانم به عنوان یک پدر یا مادر نقش خود را ایفا کنم.

۴۲- گاهی خدا را دوست دارم و گاهی او را دوست ندارم.

۴۳- اغلب به آن چه که نمی توانم انجام دهم، بیش تر فکر می کنم تا آن چه که می توانم.

۴۴- گاهی به علایق و ارزش هایی که هم کلاسی هایم به آن معتقدند، پای بندم و گاهی ازآن متنفرم.

۴۵- به خاطر آن که تنبیه و مجازات نشوم از اصول اخلاقی پیروی می کنم.

۴۶- برای زندگی آینده خود شغلی را در نظر گرفته ام.

۴۷_معمولا" از هرچه هر لحظه خوشم بیاید، همان را انجام می دهم.

۴۸_گاهی فراموش می کنم چه کسی هستم.

۴۹_احساس می کنم خودم نیستم.

۵۰_گاهی دنبال چیزی می گردم که با استفاده از آن خودم و دنیا را فراموش می کنم.

۵۱_ گاهی در مورد دوست داشتن اطرافیانم دچار تردید و دودلی می شوم.

۵۲- من اغلب خود را قربانی حوادث می بینم.

۵۳- به خاطر هر چیزی خدا را شاکرم.

[Downloaded from mail.isoedmag.ir on 2026-09-18]

۵۴- من نمی توانم شغلم را انتخاب کنم، جامعه شغل مرا انتخاب می کند.

۵۵- ارتباطی بین کارهای فعلی ای که انجام می دهم، با آینده ام نمی بینم.

۵۶- گاهی به شدت به خدا ایمان می آورم و گاهی به شدت منکر او هستم.

۵۷- می دانم برای چه زندگی می کنم.

۵۸- تعداد بیکاران آن قدر زیاد است که جامعه نیازی به اشتغال من ندارد.

۵۹- با داشتن اعتقادات مذهبی، آرامش دارم.

۶۰- اعلب آرزو می کنم، ای کاش فرد دیگری بودم.

۶۱- از تیپ و قیافه و وضع ظاهری خودم راضی هستم.

۶۲- شور و شوق من برای زندگی در حد بالایی است.

۶۳_گاهی مؤمن می شوم و گاهی اعتقادم را از دست می دهم.

۶۴_دارای سلایق پایداری نیستم.

۶۵_خانواده و والدینم را اصلا" قبول ندارم.

۶۶_از عقاید مذهبی و شیوه زندگی والدینم بدم می آید.

۶۷_در حال حاضر درباره وظایف اصلی زندگی ام سردرگم هستم.

۶۸- با بررسی هایی که کرده ام اکنون می دانم چه شغلی برایم مناسب است و برای رسیدن به آن برنامه ریزی کرده ام.

۶۹- هنوز نتوانستم اعتقادات دینی خاص خودم را پیدا کنم.

۷۰- وقتی می بینم که بسیاری از مردم به قانون توجهی ندارند و وظایف اجتماعی خود را به درستی انجام نمی دهند، من هم به خود حق می دهم، مثل آنان باشم.

[Downloaded from mail.isoedmag.ir on 2026-09-18]